



خدیجه معین

کوچک‌مروزی برای فردایی بزرگ

مقدمه:

کودک، از زمان ورود به خانه، موجود بی نهایت عاجز و فوق العاده نیازمند به مراقبت و حمایت است، هیچ کس و هیچ چیز را نمی شناسد، آشنایی او با دنیای جدید، صفر است، از خود استقلال و اختیاری ندارد. حیات و زندگی اش تابع اطرافیان به ویژه والدین است. اگر مورد توجه و لطف قرار نگیرد پژمرده و افسرده می شود. نیازمندی کودک، این مهمان پاک و معصوم نه فقط در بعد جسمی، بلکه در ابعاد روانی و عاطفی قویتر است. روابط عاطفی بین والدین و کودک، باعث رشد و تکامل طفل می شود. توجه و مراقبت از همان ابتدای تولد کودک (و حتی قبل از تولد) مورد توجه و تأیید دین و مذهب و علم بوده است. مراقبت همه جانبه در اندازه های متعادل از کودک باعث بالندگی او خواهد شد. مراقبت و تعلیم و تربیت فرزندان علاوه بر سودمندی که برای فرزندان دارد موجبات تعالی والدین هم می شود. والدینی که وظایف خود را در قبال فرزندان انجام داده و بر خدا توکل نموده اند، حتی اگر فرزندان نمره بالایی نداشته باشند، وجدانشان آرام است و خرسندند که به وظیفه شان عمل نموده اند.

اما پذیرش مسئولیت خطیر (تعلیم و تربیت) مستلزم شناخت، خودشناسی و مطالعه و تحقیق و عمل است. در چهار شماره قبل نشریه کوثر در مورد تربیت کودک از نظر قرآن، سنت و علم، با شما خانواده های محترم سخن گفتیم. در این شماره بحث پایانی تربیت کودک را ارائه می دهیم و در شماره های آینده نیز مبحث تربیت نوجوان و جوان را بیان خواهیم کرد.

ب) عنصرهای ضروری دیگر در آموزش های مذهبی:

۱- آموزش قرآن:

علی علیه السلام می فرماید: «علی الولدان یحسن اسمه و یحسن ادبه و یعلمه القرآن» (۱) حق فرزند بر پدرش این است که او را به اسم خوب نامگذاری کند و به خوبی تربیتش کند و به او قرآن بیاموزد. امام رضا علیه السلام می فرماید: «من قرأ القرآن و هو شاب مؤمن اختلط القرآن بلحمه و دمه» هر جوان مؤمنی که قرآن بخواند، قرآن با گوشت و خون او آمیخته می شود.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «فإن الله تعالی لا یعذب قلباً و عی القرآن» خداوند قلبی را که حافظ قرآن است، عذاب نمی کند.

بوعلی سینا معتقد است از همان سن آموزش پذیری کودک یعنی حدود پنج شش سالگی، باید به تعلیم قرآن برای کودک پرداخت.

راهکارهای علمی برای تشویق به یادگیری قرآن:

بهترین راهکار، چشاندن طعم جذاب انس با قرآن است؛ همیشه کودکان از چیزی که سرخوش شوند، استقبال می کنند. خدای حکیم و خالق فطرت، آمادگی انس جذب شدن را در نهاد کودک، نهاده است و جاذبه بی حدی هم در کلام مُنزل خداوندی وجود دارد؛ کافی است مربی و آموزشگر و والدین، به کم کردن فاصله بیندیشند تا وصل کودک به قرآن اتفاق بیفتد. درعین حال از اهرم های رقابت سالم میان کودکان، و همراه کردن با جوایز و تفریحات می توان کمک گرفت.

۲- آموزش حجاب:

حجاب، از ضروریات دین مقدس اسلام است و برزن واجب است که تمام بدن خود را (به جز دست ها تا مچ و قرص صورت، البته بدون آرایش) از نامحرم بپوشاند. برای آگاهی بیشتر والدین، رجوع به تفسیر سوره نور و احزاب و مطالعه اثر ارزشمند «مسأله‌ی حجاب» نوشته‌ی علامه شهید مرتضی مطهری، راهگشا است.

بر والدین است که اهمیت حجاب، فلسفه و فواید آن را از همان سن کودکی برای فرزندانشان روشن کنند. در روایات معصومین علیهم السلام تأکید شده است دختر بچه‌ها از سن شش سالگی آموزش داده شوند که بغل نامحرم نروند و روی زانوی هیچ مرد نامحرمی ننشینند، و این به دلیل مأنوس نشدن کودک با نامحرم است. اگر از همان سن شش سالگی کم کم کودک را با حجاب مأنوس کنیم و آموزش تدریجی داشته باشیم، امید است که در ابتدای مکلف شدن، به این ضروری، پاسخ مثبت دهند. بهتر است برای گرایش بیشتر کودکان از روسری و مانتوهای رنگ روشن و شاداب که با موازین شرعی هماهنگ باشد استفاده کنیم و سعی کنیم از شکل استاندارد و روش بزرگسالان استفاده نکنیم و در این باب ابتکار، تنوع و زیبایی را در نظر داشته باشیم.



بهتر است از همان ابتدای کودکی حد و مرز بین محارم و نامحرم را بر کودک تبیین کنیم. اینکه در جمع خانوادگی چه کسانی نامحرم و چه کسانی محرمند. و این حکم در رساله های عملیه مطرح شده است.

۳- آموزش حلال ها و حرام ها و احکام دیگر، مثل: پاکی، نجاسات و...:

چگونه آموزش دهیم؟ باید از راه احترام عملی به حلال ها و حرام ها فهمانید که هر انسان جویای کمال، توفیق می یابد. بی توجهی به هر حرام می تواند جامعه ای را در یک ناحیه، آسیب پذیر کند.

امام علی بن ابیطالب علیه السلام خطاب به فرزندشان می فرماید: «وَأَنْ ابْتَدِئَكَ بِتَعْلِيمِ كِتَابِ اللَّهِ وَتَأْوِيلِهِ وَ شَرَائِعِ الْإِسْلَامِ وَ أَحْكَامِهِ وَ حَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ» (۲) و اینکه از آموزش کتاب خدا، آغازت کنم به تأویل کتاب و احکام و دستورات اسلام و حلال و حرام آن. مسلمانان برخی از توصیه ها میان کودکان و نوجوانان و جوانان مشترک است.

۴- آموزش معیارهای ارزشی:

قال الصادق علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْ نَبِيًّا إِلَّا بِصِدْقِ الْحَدِيثِ وَ آدَاءِ الْأَمَانَةِ» (۳) خداوند تمام برگزیدگان خود را مأموریت داد که مردم را به راست گویی و ادای امانت (که ندای فطرت است) دعوت کنند. کودکی که از اوّل با ارزشهای انسانی آشنا شود و عملکرد والدین خود را در این راستا ببیند، کودکی که از آغازین لحظات زندگی اش با خیر خواهی، از خود گذشتگی، عدل، راستی، مهربانی، انصاف و دیگر صفات پسندیده و ارزشی روبرو شود و انس بگیرد، در نوجوانی و جوانی با این خصایص مأنوس و متصف خواهد بود.

راهکار های علمی: در روایات تأکید شده است «كُونُوا دُعَاءَ النَّاسِ بِغَيْرِ السَّنْتِكُمْ» «دعوتگران مردم با غیر زبان (با عمل) باشید».

هیچ چیز مانند پیشسازی مرییان و والدین در ارزشها، تأثیر گذار در روح کودک نیست. در حقیقت کودک از تک تک رفتارها عکسبرداری می کند و همان ها را در جان خود نهان می کند. امام علی علیه السلام می فرماید: پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله در دوران کودکی ام، هر روز الگویی از اخلاق خود را پیش روی من می نهاد.

امام سجاد علیه السلام: «اعني علي تربيتهم و تأديبهم و برهم» خدا یا مراد تربیت و ادب و نیکوکاری فرزنداتم یاری نما!

۵- پرورش اعتماد به نفس و شخصیت سازی کودک:

پیامبر صلی الله علیه و آله با حسن و حسین علیهما السلام بیعت کرد، با آنکه آنان کمتر از شش سال داشتند. علی علیه السلام مکرر در حضور مردم از فرزندان خود پرسش های عملی می کردند و گاهی جواب سؤالات مردم را به آنان ارجاع می دادند. و این، احترام به شخصیت آنان و احترام به نظرات کودکان آنها بود. علی علیه السلام با آگاهی و آمادگی کامل از این دین پیروی کرد و به ندای وحی جواب مثبت داد. همه ی اینها بیانگر تربیت صحیح و سالم مرییان آنهاست. شخصیت دادن و احترام به کودکان باعث رشد و بالندگی و پرورش سجایای اخلاقی در آنها در بزرگسالی می شود.

به کودکان باید بفهمانیم که آنها هم یکی از ارکان تشکیل دهنده ی خانواده هستند و در ایجاد کمال و تعالی خانواده نقش ویژه دارند. گاهی طفل کوچکی را برای نامگذاری خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله می آوردند، و طفل ادرار می کرد و به لباس پیامبر نفوذ می کرد، اطرافیان با دست پاچگی بر سر طفل فریاد می زدند و طفل را از پیامبر جدایی کردند، رسول اکرم صلی الله علیه و آله آنها را از این کار بساز می داشت و می فرمود: طفل را آزاد بگذارید تا ادرارش را تمام کند، و بعد پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله ادامه دعا و نامگذاری را انجام می دادند و لباس خود را تطهیر می کردند. پیامبر صلی الله علیه و آله معتقد بودند از همان

کودکی توهین و پرخواشگری به کودک اثرات نامطلوبی بر روان او می گذارد. گاه پیامبر ﷺ به احترام کودک نماز را طولانی، و گاهی نماز را کوتاه می کردند و به سرعت می خواندند. مرتبه‌ی اول چون حسن در موقع سجده روی شانه پیامبر نشسته بود و ایشان سجده‌ی خود را طولانی کردند تا فرزندشان، خودش برخیزد، و در مرتبه‌ی دوم، کودکی در قسمت زانه مسجد، صدای شیونش بلند شد و به شدت گریه می کرد، پیامبر ﷺ نماز را کوتاه کردند تا مادر طفل زود تر به کودک برسد. این گونه پیامبر رحمت و معرفت شخصیت سازی برای کودکان را به امت خود سفارش می کنند و خود عملاً این مهم را مقیدند.

بسیار دیده می شود پیامبر ﷺ تمام قامت در مقابل فاطمه، حسن، حسین، و... بر می خواستند. حتی با کودکان بازی می کردند و در سلام کردن به آنها پیشی می گرفتند. آری اگر روان‌شناسان عصر تمدن، اینک می گویند، به شخصیت اطفال توجه کنید و برای آنها احترام قائل شوید، بزرگان دین ما در قرن‌ها پیش، رهنمودهای انسانی به ارمغان آوردند.

۶- پرورش اتکای به سعی و عمل:

بازی‌های کودکانه، جابه‌جا کردن اسباب و وسایل، ساختن‌ها و خراب کردن‌ها، خیالی‌بافی‌ها، گل بازی‌ها و... همه و همه در خلّاقیت، اعتماد به نفس و اتکای به سعی و عمل، کودک را پرورش می دهد. بهتر است کودک از داشتن بعضی از اسباب بازی‌ها محروم باشد، تا خود به فکر شبیه سازی آن باشد. در این صورت سیستم فکری کودک به فعالیت می افتد و خلّاقیت او بروز می کند. در روایات اسلامی به بازی کودکان توجه زیادی شده:

امام صادق علیه السلام می فرماید: «الغلام یلعب سبع سنین...» (۴) طفل هفت سال بازی می کند.

«دع ابنک یلعب سبع سنین» (۵) طفل خود را هفت سال آزاد بگذارد بازی کند.

و نیز قرآن می فرماید:

«وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» انسان، به جز حاصل آنچه تلاش کرده است را دارا نیست.

این آیه خطاب به عموم است که باید در تربیت اسلامی ما، سرلوحه باشد.

۷- پرورش بایدهای عشق حقیقی:

کودک به حکم فطرت لبریز از آمادگی برای مهر و رزی حقیقی است. و عشق و رزی با سلول‌های انسانی، در آمیخته است. مطالعات والدین در زمینه چیستی محبت و هویت عشق و تفاوت این دو، بسیار ضروری است. عشق چیست؟ عشق همان حقیقت آشنای انسان‌هاست که عاشق را فانی در معشوق می کند و با محبت عادی تفاوت دارد.

عشق به پیشوایان چگونه ایجاد می شود؟



گام نخست: معرفی صحیح است. انسان ذاتاً دوست دارد هر چیز و هر کس را اول ببیند، بشناسد و بعد راجع به آن تصمیم بگیرد. معرفی ائمه علیهم السلام در قالب داستان های زندگی آنها و معرفی سخنان آن بزرگان در قالب های فیلم، تصویر و نمایش، گام اول در ایجاد پیوند معرفتی و محبتی و عاشقانه است.

گام دوم: پاسداری از قلب کودک برای اختصاص آن به خدا و انسان های کامل. اگر پاسداری صورت نگیرد، به چیزی - به گمان اینکه حقیقت واقعی است - دل می بندد که جدا کردن او کار دشواری خواهد شد.

گام سوم: گریز از تغذیه های شبه آلود. کارشناسان ممتاز وحی و پیشوایان نور علیهم السلام و نیز به تبع آنها علمای اخلاق، به طور همواره به خرد و کلان و جاهل و عالم هشدار داده اند که در همی سنین - بخصوص کودکی - از غذاهای حرام و شبه آلود پرهیز نمایند. به تجربه ثابت شده است که عدم مراقبت والدین به لقمه شبهه ناک، آثار مخربی را در آینده کودک داشته است. شاید داستان هایی را در این مورد شنیده باشید و برای پرهیز از طولانی شدن مطلب، از نقل آنها می گذریم.

گام چهارم: حساسیت بر روی گزینش رفیقان و همبازی ها.

در دوران دبستان حساسیت هایی هست که به مراتب حساستر از دوران راهنمایی است و این دوران نیز حساستر از دوران دبیرستان است.

نقش تأثیر گذار همسالان و حساسیت هایی که در این دوران حاکم است، والدین را وامی دارد که حتی در مدرسه و مسیر رفت و آمد کودک، مراقبت های خود را از دست ندهند.

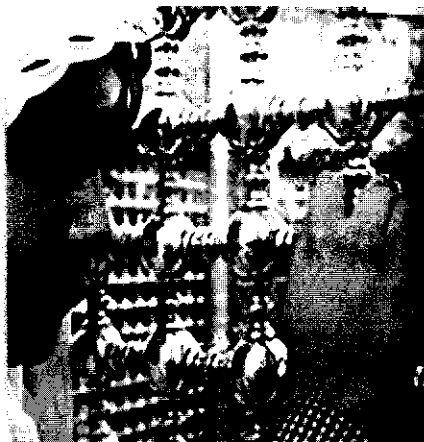
انسان ذاتاً با هم نوع خود انس دارد و در اثر این انس، روحش پیوند می خورد و خلقیات و رفتارها رد و بدل می شود.

۸- الگوسازی رفتاری:

عموم انسان ها، بیشتر و بیشتر از آنکه از کلمات و سخنان، تأثیر پذیرند، تحت تأثیر رفتار ها قرار می گیرند؛ بخصوص کودکان که رفتار بزرگترها را، در جان خود - خواسته یا ناخواسته - جای داده و خود را مقید به آن می کنند. هر چند برای همیشه نمی توان به این تأثیر دل خوش داشت ولی برای یک دوره حساس مصونیت ایجاد می کند؛ (در صورتی که کار نیکو را الگوبرداری کند). بعد از آن باید، آموزش ها، عقل کودک را بارور کند و به تدریج برای تعقل و تأمل آماده شود. پاسداری از قلب کودک و پدافند برای حفاظت از حریم آن، کار مداومی است که برای یک دوره، باید انجام داد. آموزش دهیم که خودش، برای همیشه حافظ خویشتن الهی خود باشد.

۹- آموزش عشق حقیقی و راستین:

سرمایه ای عظیم را وارثیم که اگر نبود، کارها بر زمین می ماند و آن عشق است.



عشق، نیازمند جهت دهی است و حاملان وحی رسالتی بزرگ در این زمینه دارند و فرموده اند: «آیا دین به جز حب و بغض، چیز دیگری است؟»

اگر، دین هم نباشد، حب و بغض کار خودش را می کنند؛ فقط دین نقش هدایت آن را دارد. در دوران کودکی، سرمایه عشق، حساسیت بیشتری دارد و والدین و مربیان، رسالتی بزرگ دارند. چشاندن طمع پاک، انس با پاکان، قرائت قرآن، بهره مندی از نیایش، اقامه نماز، و ... حقایقی از این نوع، عشق کودک را از آغاز، سامان دهی می کند تا در دوران جوانی و بعد از آن، در مصداق های واقعی عشق، دچار اشتباه نشود.

۱۰- بر خورد پیشوایان معصوم علیهم السلام با کودکان:

۱- امام صادق علیه السلام می فرمایند: من جوان بودم و در عبادت کوشش می کردم، پدرم به من فرمود: فرزندم کمتر از این مقدار عبادت کن، زیرا خداوند وقتی بنده ای را دوست دارد، با عبادت کمتر از این هم از او راضی می شود. (۶)

حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: خدا رحمت کند کسی را که در نیکی و نیکو کاری به فرزند خویش کمک کند.

یکی پرسید: چگونه؟ حضرت فرمود:

۱- آنچه را که کودک در توان خود داشته و انجام داده از او قبول کند.

۲- آنچه را که انجام آن برای کودک دشوار است از او نخواست.

۳- آنچه را که انجام آن کودک را به گناه و دروغ وامی کند از او نخواست.

۴- در برابر کودک مرتکب اعمال احمقانه نشود. (۷)

روزی امام حسن علیه السلام کودکی را که نان خشکی در دست داشت دید. لقمه ای از نان می خورد و لقمه ای به سگ می داد. امام از او پرسیدند: پسر جان چرا چنین می کنی؟ او گفت: من از خدا شرم دارم که غذا بخورم و حیوانی گرسنه به من بنگرد. امام حسن علیه السلام کودک را تشویق کردند و برایش غذا و لباس مهیا کردند و به او توجه فراوانی کردند. (۸)

۵- آرامش مربی:

بزرگترین خدمت دولت به جامعه اسلامی این است که روح مربی را از نگرانی ها و نا آرامی ها دور دارند تا با تحمل، صبر و حوصله، نقش تربیتی حساس خود را ایفا نماید. گاهی آرامش در فقر هم حاکم است، گاهی با غنا و توانگری جمع می شود و گاهی با فقر آرامش می رود و با ثروتمندی نیز رخت می بندد. آرامش زاییده ی اتصال به حضرت حق است و راضی بودن به حکم خداوند. آرامش های فریبنده و لحظه ای، هیچگاه روح مربی و هیچ کس دیگر را از تلاطم و اضطراب، حفظ نمی کند؛ همگی مُسکّن های مقطعی است و گذران.

۱۱- کودک و بازی:

در سوره یوسف علیه السلام می خوانیم:

«ارسله معنا غداً یرتع ویلعب و انا له لحافظون» (۹) (ای پدر!) او را (یوسف را) فردا با ما بفرست، تا



بگردد و بازی کند و ما حافظ او هستیم.

در جواب این تقاضا، حضرت یعقوب علیه السلام فرمود: او را که می برید مرا اندوهناک می کنید و می ترسم او را گرگ بخورد و از او غافل باشید.

نفرمود که بچه بازی و گردش نیاز ندارد.

در روش علما و بزرگان هم به پیروی از پیشوایان معصوم دیده ایم که در یک دوره بچه را برای بازی، آزادی می دهند اما با مراقبت!

۱۲- کودک و محبت:

جان کودک تشنه ی چشمه ی محبت است و بدون ابراز مهر، شخصیت حقیقی انسان، شکل نمی گیرد. اختلالات ناشی از کاستی ابراز محبت، به سماوات فرد هم به شدت آسیب می زند. امام امیر المؤمنین علیه السلام در نامه ۳۱ به فرزندشان می فرمایند: «تو را بخشی از خودم بلکه همه وجود خودم، یاقم (تو پاره تن بلکه همه وجود منی)» اما خط قرمزهایی هم دارد که در دو آیه ذیل ملاحظه خواهید نمود:

۱- «زین للناس حبّ الشّهوات من النساء والتناطیر المتنطرین من الذهب والنفضه والخیل والمؤمه والانعام الحرث ذلك متاع الحیوه الدنیا والله عند حسن المأب» (۱۰)

«عشق به خواستنی ها از جمله زنان و پسران (یا فرزندان) و مال فراوان از زر و سیم و اسبان نشاندار و چهارپایان و کشتزاران، در چشم مردم آراسته شده است. اینها بهره ی زندگانی و دنیا است و سرانجام نیکو، پیش خداست.»

در تفسیر های معتبر شیعه در مورد مذمت آمیز بودن این آیه و یا بیان یک واقعیت طبیعی در گرایش های مورد اشاره در آیه (علاقه به..... و.....) بحث شده است که به نظر می آید، حالت گلایه آمیز و مذمت دارد: یعنی درست است که انسان به طور طبیعی به این موارد، علاقه نشان می دهد ولی زینت یافتن حب این خواستی ها، ناشی از افراط در محبت آنها است که علاقه به فرزند هم گاهی حالت افراط به خود می گیرد.

۲- «قران کان ابانکم و ابنائکم و اخوانکم و ازواجکم و عشیرتکم و اموال اقترتموها و تجاره و تخشون کسادها و مساکن ترضونها حبّ الیکم من الله و رسوله و جهاد فی سبیله فتر بصوا حتی یأتی الله بامرہ و الله لایهدی القوم الفاسقین» (۱۱)

«بگو اگر پدرانتان و پسرانتان و برادرانتان و همسرانتان و خاندانتان و اموالی که گرد آورده اید و تجارتی که از کساد آن می ترسید و خانه هایی که آنها را پسندیده اید، در نزد شما از خدا و پیامبرش و جهاد در راهش، محبوبتر است، منتظر باشید تا خداوند فرمانش را بیاورد و خداوند فاسقان را هدایت نمی کند.» این آیه ی روشن، هشداری است که در ترازوی سنجش دل باید خدا و رسول و جهاد را محبوبتر داشت.

۱۳- ضابطه های مهر ورزشی به کودک، تعلق به کودک:

در ذیل عنوان کودک و محبت، این ضابطه ها تبیین شده ولی در اینجا نکته دیگری را می افزاییم: حد اعتدال در مهر ورزشی ضروری است. زیرا افراط و تفریط هر کدام آسیب هایی تولید می کنند. تفریط در ابراز محبت، او را به دیگران پناهنده می کند و افراط در آن، او را پر توقع پرورش می دهد و در جامعه هم همین انتظار را دارد و او را تبدیل به حاکم مطلق می کند که با هر گونه مخالفت، مبارزه خواهد کرد و دچار بحران های روانی می شود.

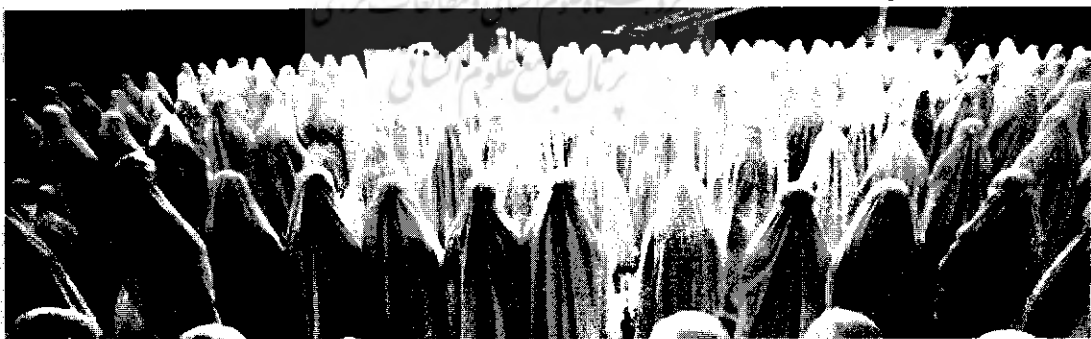
کودکی که در دو سوی افراط و تفریط باشد، مسلماً از دو خصلت مهم مصون نمی ماند، یا لوس و از خود راضی و مغرور بار می آید و یا ترسو و گوشه گیر و منزوی.

۱۴- نقش دعا در فرزندان پاک:

خداوند در باب نقش مکملی دعا از قول حضرت زکریای پیامبر می فرماید: «قال رب هب لی من لدنک ذریه طیبه، انک سمیع الدعاء» (۱۲)

گفت: پروردگارا! از پیش خود، ذریه ای پاک، ببخشایم که تو شنوای دعا هستی. تمام کوشش های عالمانه و دلسوزانه مربی و والدین در یک سو و بهر مند از امتیاز دعا هم در سویی دیگر است. بدون تلاش، دعا در این باب تأثیر ندارد. رعایت آداب تربیت، رزق پاک و نظارت در یک جهت و دعا هم یک ریسمان آسمانی است که این کوشش ها را تکمیل می کند.

در جای دیگر قرآن، این تعبیر خداوند را می خوانید: «قل ما یعبؤا بکم ربی لولا دعائکم.....» (۱۳) بگو اگر دعای شما نبود، خداوند (غیر از رحمانیت و لطف های عمومی) به شما اعتنایی نمی کرد. البته علامه طباطبایی (ره)، «دعائکم» را در این آیه به عنوان دعوت خدا از بندگان تفسیر کرده اند. در داستانهای راستان و پاکان و علمای بزرگ، ماجراهای فراوانی از دعای والدین برای اصلاح فرزندان و رسیدن آنها به قله های رفیع معنوی، نقل شده است که از همه آنها می گذریم و شما خواننده گرامی را به آنها ارجاع می دهیم.



پی نوشت ها:

- ۱- نهج البلاغه
- ۲- نهج البلاغه/نامه ۳۳۱- صحیفه النجاه/ص ۱۸
- ۳- اصول کافی/ج ۶/ص ۴۶ و ۴۷-۵ همان
- ۴- بحار/ج ۴۷/ص ۵۵
- ۵- بحار/ج ۲۳/ص ۱۱۴-۸- البدایه/ج ۸/ص ۲۸
- ۶- یوسف/۱۲
- ۷- آل عمران/۱۴
- ۸- توبه/۲۴
- ۹- آل عمران/۱۲
- ۱۰- فرقان/۷۷